

## انقلاب، واژه‌ی از ترانه تاریخ

در آستانه «سده روز» اکتوبر، باز زمانلرزه‌هایی از ترخانۀ تاریخ بر انتشار گویا محتوم - و لی شوم - لکه سیاه سرمایه هجوم بردند. اینبار نیز، همانند همیشه‌های افتخار آفرین، سیلابهای آدمی، گاه با پاهای برهنه، زمانی با مشت‌های گره بسته به رسم عزم آهنین، ولی پیوسته با فریادهای «آزادی، داد و برابری» به حصار ستم و استبداد یورش بردند و افسانۀ سرخ اکتوبر را در یاسمن تونس و پاپیروس کرانه‌های نیل دوباره جان بخشیدند. آنها بار دیگر به زورمندان قاهر قاهره و تونس و حامیان آنسوی دریاهای شان فهماندند که شکیبایی خلق پایانی پذیر است و در نهایت سلاحی را که سرگذشت بشر در بیغوله‌های وجدان شان پنهان کرده است، از نیام برخوانند کشید - سلاحی که با صدها سیمای آذرین بر یک مفهوم استوار است: قیام.

دو خلقی که از هزاره‌ها بدینسو فقر و استبداد را چون پاسخ تلخ و دودی به آرزوها و نیازهای انسانی شان تجربه می‌کردند، در درازنای دو برج جهان را به لرزه انداختند و نوید تازه‌یی به بشر ارزانی کردند که خیر! آتش امید هنوز در خشم انسان زنده است و فرداهای دیگری از جنس طلوعهای نارنجی خاور در راه اند.

در هنگامی که سیه پندران نظام بیدادگر سرمایه «پایان تاریخ» را اعلام کرده بودند و «خداوندی پول» را در مقام یگانه اصل مذهب معاصر برای ملیاردها انسان موعظه می‌کردند، دو خلق خاموش از فراموشخانۀ تاریخ سر برآوردند و بر داوریهای سقیم و کژاندیشیهای غرض آلود آنها خط بطلان کشیدند... باز در سراسر گیتی مقدس‌ترین واژه‌یی که تاریخ سراغ دارد بر دهان امیدوار ملیاردها آدمی شگفته است: واژه انقلاب.

انقلابهای این دو خلق کبیر را که سده بیست و یکم را با نوید فرازآیی خورشید آزادی و دادخواهی به روی خلقهای جهان گشودند، گرامی بداریم و به شهامت فرزندان دلاور شان آفرین بگوییم.

آن شمار از هم‌رهان دیروزی ما که از راه خلق بدر شدند و با تب‌هکاران و تاریک‌اندیشان هم‌گام، به یقین با سرهای افکنده به روزگاران سرافرازی شان می‌اندیشند.

به راستی که تاریخ بازیهای شگفتی دارد، چون بازیگران آن توده‌های مردم اند و توده‌ها از نیروی شگرف برهم‌زنی و سازنده‌گی برخوردارند! بگذار همیشه چنین باشد!